

عنوان و نام پدیدآور	: هم ناله با خورشید/ اداره تولیدات آستان قدس رضوی.
مشخصات نشر	: مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۴ ص.
شابک	: 978-600-299-204-8
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا
موضوع	: محمدبن علی (ع)، امام نهم، ۱۹۵ - ۲۲۰ ق.
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی. اداره تولیدات فرهنگی
رده بندی کنگره	: BP ۸۵/۴ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۸۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۴۰۱۱۷



هم ناله با خورشید

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی

نویسنده: جعفر صدیقی

ویراستار: مریم رضائی

ارزیاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی

گرافیک و صفحه آرایی: امین کوثری

طراح جلد: اشکان پردل

ناشر: انتشارات آستان قدس رضوی

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰۰

چاپ: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

نشانی: مشهد، حرم مطهر رضوی، صحن جامع رضوی، اداره تولیدات فرهنگی

تلفن: ۳۲۰۰۲۵۶۷-۵۱

صندوق پست: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

- ۷ در بیان خورشید
- ۸ جواد الائمه علیه السلام در مکتب خورشید
- ۱۰ در نگاه شیعیان
- ۱۲ مأمون در شگفت از فضائل امام جواد علیه السلام
- ۱۳ اوضاع سیاسی دوران به امامت رسیدن امام جواد علیه السلام
- ۱۵ مولای جوان
- ۱۶ نور ولایت در منبر هدایت
- ۱۷ سبک زندگی اسلامی
- ۲۰ ریشه‌های طرح به شهادت رساندن امام جواد علیه السلام
- ۲۵ محرم نامحرم (مظلومیت امام جواد علیه السلام در واقعه شهادت)
- ۲۷ مسابقه فرهنگی

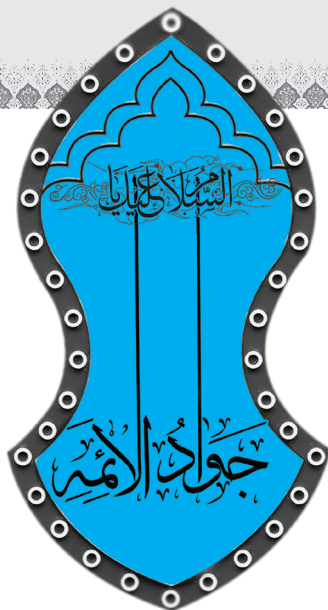
مقدمه

﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾^۱

خلقت موجودات، نشئت گرفته از چشمه فیض الهی است و خداوند متعال چنین اراده فرموده است که تمام خلقت از نعمت هدایت بهره‌مند باشند. انسان نیز که گل سرسبد مخلوقات است، از نعمت هدایت الهی برخوردار شده است. تلاش تمامی انبیای الهی و دستورهای کتب آسمانی هم، دستگیری از بشر در طی کردن مسیر الی‌الله است تا در جهت رضای الهی قدم بردارد و گرفتار انحرافات نشود. یکی از اصول تربیت صحیح و روش‌های مؤثر تأثیر‌گذاری بر دیگران، الگوسازی است. ما با الگوپذیری از اهل بیت (علیهم‌السلام) که راه درست چگونه‌زیستن را می‌آموزند، خود را در معرض نسیم روح‌افزای معارف الهی قرار می‌دهیم. در این سبک زندگی، به تمام جوانب دنیوی و اخروی، شخصی و اجتماعی و نیز ظاهری و باطنی توجه شده است.

در فرصت کنونی، به مناسبت شهادت امام جواد (علیه‌السلام) چند جرعه از کوثر روح‌بخش معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) نوش کرده و امیدواریم این تلاش اندک در احیای امر اولیای الهی، مقبول حضرت حق قرار گیرد و توفیقمان در این راه افزون شود. از خوانندگان محترم نیز دعوت می‌شود ضمن به‌یادسپاری مطالب، در انتقال آن‌ها به دیگر دوستان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) تلاش کرده و پیشنهادهای سازنده خود را منعکس کنند تا از آن‌ها بهره‌مند شویم.

۱. طه، ۵۰.



امام جواد (علیه السلام) در دهم ماه رجب سال ۱۹۵ ق و به نقلی در دهم ماه مبارک رمضان یا نیمه آن، در مدینه منوره دیده به جهان گشودند. پدر ارجمند ایشان، امام رضا (علیه السلام)، خورشید تابان آسمان علوم الهی هستند؛ تا آنجا که به عالم آل محمد (علیه السلام) ملقب شده اند؛ به طوری که دشمنان آن حضرت نیز بر بی همتا بودن ایشان در علم و فضیلت اعتراف می کردند.

امام جواد (علیه السلام) با کنیه جدشان، امام محمد باقر (علیه السلام)، «ابو جعفر» خوانده می شدند. مادر بزرگوارشان از خاندان «ماریه قبطیه» و از مردم «نوبه»^۱ بودند. نام این بانوی بزرگوار، «سبیکه» و «ریحانه» و به نقلی «دره» است؛ اما امام رضا (علیه السلام) ایشان را «خیزران» نامیدند.

۱. نوبه منطقه‌ای است در افریقیه که بر کرانه نیل، بین اسوان و دنقله [در مصر] واقع شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این بانوی پاک دامن، با عنوان «بهترین کنیز کان پاک نهاد» یاد کرده اند و امام حسن عسکری علیه السلام درباره شان فرموده اند: «وَأُمُّ وَلَدٍ اسْتَوْدِیَ وَبَکَ وَبَکَ شَدَّ أَفْرِیْدَه شَدَّ. بِا کُنْیَهْ أُمُّ جَوَادٍ وَ أُمُّ حَسَنِ خَوَانْدَه مِی شَوْد وَبَهْتَرِیْن زَنان رُوزگار خویْش بوْد.»^۱

امام جواد علیه السلام همانند نیاکان گران قدر خود، القابی داشتند که همگی نشان دهنده شخصیت سترگ و والایی گوهر آن حضرت است. این القاب عبارت اند از:

۱. جواد: از آنجاکه در حق مردم بسیار نیکی و احسان کرده و همواره همگان را از بخشش و عطای خود بهره مند می کردند، به این لقب خوانده شدند.

۲. تقی: از آن رو تقی خوانده شدند که هم تقوای الهی را پیشه کرده و به درگاه او انابه و توبه می کردند و هم به رشتۀ محبت و بندگی پروردگار چنگ انداخته و به هیچ یک از خواسته های نفسانی روی نکردند.

۳. باب المراد: این لقب، به معنای دروازه برآمدن خواسته هاست.^۲

«ذهبی» از علمای اهل حدیث درباره امام جواد علیه السلام گفته است: «محمد، به جواد و قانع و مرتضی ملقب بود و در شمار بزرگان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشت و از آنجاکه به سخاوت و بخشندگی شهره بود، جواد خوانده شد.»^۳

۱. عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، مستدرک عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج ۲۳، ص ۲۰.

۲. نک: عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، مستدرک عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج ۲۳، ص ۲۹ تا ۳۷.

۳. صلاح الدین خلیل بن أبیک الصفدی، الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۱۰۵.



در بیان خورشید

وقتی که وجود مقدس امام رضا (علیه السلام) به سنین چهل و چند سالگی رسیده بودند و هنوز فرزندی نداشتند که به عنوان امام بعد از ایشان معرفی شده باشد، حتی برای شیعیان نیز در این زمینه سؤال‌هایی پیش آمده بود. این سؤال‌ها گاهی به آن حضرت هم منتقل می‌شد؛ تا اینکه پیش از ولادت فرزندشان امام جواد (علیه السلام) در جواب یکی از اصحاب فرمودند: «وَاللّٰهُ لَا تَمْضِي الْاَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَرْزُقَنِي اللّٰهُ وَلَدًا ذَكَرًا يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ»^۱ (به خدا سوگند، پس از روزگارانی [نه چندان طولانی] خداوند پسری به من خواهد داد که توسط او میان حق و باطل را جدا می‌کند).

در جای دیگری نیز فرمودند: «...يُولَدُ لِي ذَكَرٌ مِنْ صَلَٰبِي يَقُوْمُ بِمِثْلِ مَقَامِي يُحْيِي الْحَقَّ وَيُمَحِّي الْبَاطِلَ»^۲ (پسری از من به وجود می‌آید و جانشین من می‌شود. او حق را زنده و باطل را نابود و محو می‌کند).

حضرت شمس الشموس، علی بن موسی الرضا (علیه السلام) پس از تولد امام جواد (علیه السلام) در حالی که از میلاد فرزند خود غرق در شادی و سرور بودند، فرمودند: «فرزندی برای من به دنیا آمده است که شبیه موسی بن عمران، شکافنده دریاهاست و نیز شبیه عیسی بن مریم است: مقدس است مادری که او را به دنیا آورده است.»^۳ همین طور در جایی دیگر، با اشاره به فرزندشان امام جواد (علیه السلام) فرموده‌اند: «این ابوجعفر است. [به‌اذن خدا] او را در جایگاه خودم قرار داده و جانشین خویش کرده‌ام.»^۴

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۰.

۲. محمد بن عمر کشی، اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، ص ۵۵۳.

۳. باقر شریف القرشی، حیاة الامام محمد الجواد (علیه السلام) ص ۲۲.

۴. باقر شریف القرشی، حیاة الامام محمد الجواد (علیه السلام) ص ۲۲.

جواد الائمه (علیه السلام) در مکتب خورشید

بر اساس تعالیم اسلامی، کسی شایستگی احراز منصب امامت را دارد که در عصر خود، عالم‌ترین و بر شئون شریعت و احکام دین، آگاه‌ترین فرد باشد؛ همچنین باید در احاطه بر امور سیاسی و مدیریت و دیگر نیازهای اجتماعی و دینی مردم، سرآمد باشد. در این عرصه، امام جواد (علیه السلام) همانند پدران ارجمندشان، یگانه روزگار خود بودند. جواد الائمه (علیه السلام) در خردسالی با قدرت تمام، به میدان دانش‌های گوناگون وارد شده و توانمندی خارق العاده خود را به همگان نشان دادند. ایشان پیچیده‌ترین پرسش‌های شرعی و علمی فقیهان و عالمان را با دقت فراوان پاسخ داده و به این ترتیب، احاطه همه جانبه علمی خود را آشکار کردند. نتیجه مباحثات علمی و دینی امام جواد (علیه السلام) در آن عصر، گسترش مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و رویکرد فزاینده مردم به سوی آن حضرت بود که در اثر آن، بسیاری از عالمان، از بینش سابق خود روی گرداندند و اصل امامت را پذیرفتند.^۱ همه این مقامات علمی، طی مراحل مختلف به امام منتقل می‌شود. برخی از این آبخورهای علمی در ادامه بیان شده است.

بر اساس نقلی از «مسعودی»، زمانی که جناب ابوجعفر دیده به جهان گشودند، امام رضا (علیه السلام) تمام شب را در کنار گهواره ایشان نشست و با حضرت نجوا می‌کردند. چند شب که به همین روال گذشت، راوی عرض کرد: «فدایت شوم! پیش از این، فرزندان زیادی برای دیگران به دنیا آمده است [ولی این چنین در گوش آن‌ها دعا و تعویذ نمی‌خواندند]؛ حال برای این فرزند، این همه تعویذ و دعا می‌خوانید!» امام رضا (علیه السلام)

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۱۵.



چهارالحمی

فرمودند: «...این تعویذ نیست؛ بلکه او را از دانش، سرشار می‌کنم.»^۱

امام جواد (علیه السلام) خود، از جدش امام باقر (علیه السلام) نقل فرموده‌اند: «بی‌تردید، جانشینان (امامان) طرفِ گفت‌وگو هستند و روح القدس (ملک مقرب خداوند) با آنان سخن می‌گوید؛ اما [آنها] او را نمی‌بینند.»^۲ بر اساس روایتی دیگر، پس از شهادت امام رضا (علیه السلام)، امام جواد (علیه السلام) را که خردسال بودند، به مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بردند. ایشان بر پلهٔ اول منبر قرار گرفته و فرمودند:

من، محمد، فرزند علی [بن موسی] الرضا هستم. من جوادم. به انساب مردم، در حالی که در صُلب پدرانشان هستند، آگاهم و به نهان و آشکارتان و آنچه در پی آن هستید و نیز فرجام شما [از همه] آشناترم. [این دانسته‌ها را از] علمی که از سوی آفریدگار تمام خلق و پس از آفرینش آسمان‌ها و زمین به ما ارزانی شده است، به‌دست آورده‌ام.^۳

۱. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیة ص ۲۱۰.

۲. عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، مستدرک عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج ۲۳، ص ۱۵۹.

۳. نک: عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، مستدرک عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج ۲۳، ص ۱۵۹.

در نگاه شیعیان

از بررسی تاریخی دوران به امامت رسیدن جواد الائمه (علیه السلام) به وضوح می‌توان درک کرد که با وجود تأکید امام رضا (علیه السلام) به مسئلهٔ جانشینی فرزندان، عموم شیعیان دربارهٔ مسئلهٔ امامت امام جواد (علیه السلام) دچار تردید بوده‌اند!

به هر حال این مشکل، پس از مجاهدت‌های علمی و سیاسی فراوان برطرف شده است و تودهٔ شیعیان خط ولایت و امامت را همچنان پرفروغ دیده و گرد شمع وجود امام زمان خود جمع شده‌اند. به شواهدی در این باره توجه کنید:

ابو جعفر، محمد بن علی [بن موسی] الرضا (علیه السلام) وارد مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) شدند. علی بن جعفر، عموی امام رضا (علیه السلام) که متوجه ورود آن حضرت شد، پابرهنه و بدون ردا به سمتشان شتافت و دستانشان را بوسید و ایشان را گرامی داشت. ابو جعفر (علیه السلام) (امام جواد (علیه السلام)) فرمود: «ای عمو بنشین. خدایت رحمت کند!»

علی [بن جعفر] گفت: «سرورم، در حالی که تو ایستاده‌ای، چگونه بنشینم؟» وقتی که علی بن جعفر به جای خویش بازگشت، یارانش او را ملامت کردند و گفتند: «تو عموی پدر او هستی، در عین حال با وی چنین رفتار می‌کنی؟!» علی پاسخ داد: «خاموش باشید!» آنگاه محاسن خود را در دست گرفت و گفت: «حال که خدای عزّ و جل این موی سپید را [برای امامت] شایسته ندید و این جوان را چنین شایستگی‌ای



داد و به این منصب گمارد، فضل و برتری او را انکار کنم؟! من غلام او هستم و از گفته شما به خداوند پناه می برم.»^۱

یکی از اصحاب امام جواد (علیه السلام) نیز نقل کرده است:

ابو جعفر (علیه السلام) را دیدم که [از جایی] خارج شد. به ایشان نگریست و سر تا پایشان را برانداز کرد تا اوصاف ظاهری آن حضرت را برای یارانش در مصر باز گو کند. در همین حال بود که امام (علیه السلام) نشستند و به او فرمودند: «ای علی، همان گونه که خداوند در امر نبوت محاجه می کند (دلیل محکم می آورد)، در امر امامت نیز چنین می کند؛ آن چنان که فرموده است: ﴿وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾^۲ (و از کودکی به او نبوت دادیم).»^۳

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۲.

۲. مریم، ۱۲.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۱۵.

مأمون در شگفت از فضائل امام جواد (علیه السلام)

از شیخ مفید رحمه الله نقل شده است: «مأمون، شیفته و شیدای ابوجعفر (علیه السلام) (امام جواد (علیه السلام)) شده بود؛ چراکه او را در عین خردسالی، در فضیلت، علم، حکمت، ادب، کمال و عقل، سرآمد می دید؛ آن گونه که مشایخ و کهن سالان آن روزگار به مرتبه او نمی رسیدند.... مأمون، آن حضرت را بی نهایت تکریم و تعظیم می کرد و گرامی می داشت.»^۱

هنگامی که مأمون تصمیم گرفت دختر خود را به همسری امام جواد (علیه السلام) درآورد، بنی عباس به این کار اعتراض کردند. مأمون دلیل خود را این گونه بیان کرد:

ابوجعفر را از آن رو برگزیدم که در عین خردسالی، در علم و فضل، سرآمد تمام صاحبان فضل و علم [و در این عرصه،] نابغه و شگفتی برانگیز است.

وای بر شما! من این جوان را بهتر از شما می شناسم. او از خاندانی است که دانش خود و گوهر و الهام آن را از خداوند دارند. پدران او پیوسته در دانش دین و ادب، از مردم کمال نایافته بی نیاز بوده اند.»^۲

۱. محمدبن محمدبن نعمان عکبری بغدادی، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۸۱.

۲. محمدبن محمدبن نعمان عکبری بغدادی، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۸۲.



اوضاع سیاسی دوران به امامت رسیدن امام جواد (علیه السلام)

در سال ۱۹۵ق، با مأمون عباسی به عنوان خلیفه بیعت شد. در همین سال بود که امام جواد (علیه السلام) دیده به جهان گشودند. این مولود خجسته، هفت سال در کنار پدر بزرگوار خود، امام رضا (علیه السلام) زندگی کردند. امام جواد (علیه السلام) در این دوره، شاهد بیعت با امام رضا (علیه السلام) به عنوان ولیعهد بودند و حوادثی را که هم‌زمان با این بیعت و پس از آن، چهره نمود و نیز حادثه جان‌گذاز شهادت پدرشان به دست مأمون را با تمام وجود لمس کردند.

پس از شهادت امام رضا (علیه السلام)، انگشت اتهام، مأمون را نشان می‌داد و مردم او را قاتل امام می‌دانستند. همین موضوع باعث شد که امام جواد (علیه السلام) از نیرنگ و توطئه مأمون در امان باشند؛ اما مأمون همچنان برای درهم‌شکستن شخصیت این امام عزیز (علیه السلام) و کاستن از جایگاه والای ایشان در دل‌ها، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد. امام جواد (علیه السلام) در برابر تمام تلاش‌های سرکوبگرانه مأمون ایستادند تا روش و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را اعتلا بخشیده و نیز عقیده شیعیان در مسئله امامت و رهبری و دستاوردهای سیاسی اجتماعی آن‌ها را قوام و استحکام بخشند.

در سال ۲۱۸ق، روزگار مأمون به سر آمد و برادرش معتصم عباسی بر تخت خلافت نشست و تا سال ۲۲۷ق، قدرت را در دست داشت. او امام جواد (علیه السلام) را کاملاً زیر نظر داشت و از فعالیت اجتماعی و سیاسی آن حضرت جلوگیری می‌کرد.



سرانجام در سال ۲۲۰ق، معتصم به وسیله برادرزاده اش، ام فضل، آن حضرت را به زهر کین مسموم کرد. همان طور که گفته شد، مأمون دخترش، ام فضل را به عقد امام جواد (علیه السلام) در آورده بود. از این ازدواج، فرزندی حاصل نشد؛ بدین ترتیب، معتصم عباسی، به گمان خود، نماد خط اهل بیت (علیهم السلام) و متولی آن، یعنی امام جواد (علیه السلام) را از میان برداشت تا آن طور که می خواهد، با احکام اسلام و مفاهیم رسالت و امامت بازی کند! البته نه تنها موفق نشد، بلکه خط هاشمی اهل بیت (علیهم السلام) از آن پس تاکنون، درخشیده است و روز به روز نیز بر درخشندگی آن افزوده می شود.

دوران حیات امام جواد (علیه السلام) به دو بخش تقسیم می شود: بخش نخست دورانی حدوداً هشت ساله از ۱۹۵ تا ۲۰۳ق است که آن را در کنار پدر بزرگوارشان، امام رضا (علیه السلام) سپری کردند و بخش دوم هم دوران حدوداً هفده ساله پس از شهادت امام رضا (علیه السلام) است که خود، به دو مقطع متمایز تقسیم می شود:

الف. پانزده سال (۲۰۳ تا ۲۱۸ق)، در روزگار مأمون که طولانی ترین بخش زندگی کوتاه امام جواد (علیه السلام) به شمار می رود؛

ب. دو سال (۲۱۸ تا ۲۲۰ق) که در روزگار حکومت معتصم عباسی سپری کردند.



مولای جوان

در ظاهر، موضوع خردسالی امام محمد تقی (علیه السلام) در زمان آغاز مسئولیت امامتشان، چالشی برای ایشان و تشیع محسوب می‌شود. چنان که اشاره شد، حتی نزدیکان آن حضرت نیز در این زمینه سؤالاتی داشتند؛ اما اگر وقایع میلاد و زندگانی و امامت امام جواد (علیه السلام) را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که کوبنده‌ترین موضوع دوران حیاتشان برای دشمنان اسلام و پرافتخارترین نکته زندگی ایشان برای تشیع، همین موضوع کم‌بودن سن و سال آن بزرگوار است! امام جواد (علیه السلام) توانمندی‌های علمی و عرفانی و سیاسی رهبران شیعه را به رخ جهانیان کشیده‌اند و تمام این‌ها در عین خردسالی آن حضرت واقع شده است! ایشان با ایستادگی و نشان دادن عکس‌العمل مناسب در برابر هجمه‌هایی که دشمنان و بدخواهان در این زمینه به ایشان و شیعه وارد می‌کردند و نیز با مدیریت شیعیان و نزدیکان، هم‌فتنه‌های عباسیان را خنثی کردند و هم موفق شدند راه ترویج معارف ناب اسلامی را که به‌ویژه از زمان امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) شروع شده بود، به بهترین وجه ادامه دهند. همچنین موفق شدند وظیفه مهم آماده‌سازی جهان اسلام و تشیع برای دوران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و غیبت را به انجام برسانند؛ بنابراین بجاست که در زیارت ایشان و پدران بزرگوارشان در روز چهارشنبه بگوییم: «يَا بِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي لَقَدْ عَبْدْتُمُ اللَّهَ مُخْلِصِينَ وَ جَاهَدْتُمُ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ أَعْدَائَكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَجْمَعِينَ.» (پدر و مادر من به فدایتان، به درستی که شما با اخلاص به عبادت خداوند پرداخته و با نهایت توان در راه خدا جهاد کردید تا اینکه به دیدار حق نائل شدید [و به شهادت رسیدید]. لعنت خداوند بر تمامی دشمنان شما از جن و انس.)

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۱۹.

نور ولایت در منبر هدایت

■ تبیین مهدویت

عبدالعظیم بن عبدالله حسنی به محمد بن علی بن موسی (علیه السلام) (امام محمد تقی (علیه السلام)) عرض کرد: «امیدوارم [شما] همان قائم از خاندان محمد (صلی الله علیه و آله) باشید که زمین را پس از آنکه از ستم و جور آکنده شد، از عدل و داد سرشار می کند.» امام جواد (علیه السلام) فرمودند: «ای ابوالقاسم، هریک از ما [امامان]، قائم به امر (برپادارنده فرمان) خدای عز و جل و راهنمایان به سوی دین او هستیم؛ اما آن قائم که خداوند به وسیله او زمین را از وجود کافران و منکران پاک و آن را سرشار از عدل و داد می کند، کسی است که تولدش از مردم پنهان می ماند، وجودش از دیدگان آنان غایب می شود، خواندن او به نامش، نارواست و نام و کنیه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را دارد. زمین برای او درهم پیچیده شده و هر سرکشی در برابرش رام می شود و از دورترین نقطه [این] خاکدان، یارانش که ۳۱۳ نفر و به تعداد اهل بدر هستند، نزدش فراهم می آیند و خداوند در این باره فرموده است: 'هر جا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می آورد؛ در حقیقت، خدا به انجام هر کاری تواناست.' پس هر گاه این عده مخلص گرد او حاضر شدند، خداوند امر (فرج) او را فراهم می کند و چون [به تدریج، دیگر یارانش] جمع شدند، [که شامل ده هزار تن هستند] به فرمان خدا قیام می کند و آن چنان از دشمنان خدا می کُشد تا اینکه خداوند عز و جل خشنود شود... خداوند دل او را مهربان می کند و چون وارد مدینه شود، 'لات' و 'عزی' (دوبت محبوب مشرکان قبل از اسلام) را بیرون آورده و در آتش می سوزاند.»^۱

۱. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۷۷ و ۳۷۸.



سبک زندگی اسلامی

همان طور که در مقدمه گفته شد، ما با بهره‌مندی از میراث ماندگار اسلام، یعنی قرآن و فرمایشات اهل بیت (علیهم‌السلام) به برنامه‌ای همه‌جانبه برای جامعه اسلامی دست پیدا خواهیم کرد. در این باره مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) فرموده‌اند: «همین بحث سبک زندگی و أسلوب زندگی به حسب نظر اسلام...، [این معیاری است که] خودمان را عیارسنجی کنیم؛ رفتار مادر محیط کار چگونه است؟ رفتار ما با همسر و فرزند چگونه است؟ رفتار مادر محیط زندگی و محیط اجتماعی چگونه است؟ رفتار ما با زیردست چگونه است؟ با کسی که بالادست ماست، رفتار ما چگونه است؟ رفتار ما با دوست چگونه است؟ با دشمن چگونه است؟ این‌ها همه در اسلام اندازه و معیار دارد. خودمان را بسنجیم؛ این می‌شود عیار خویش را سنجیدن، خود را درست شناختن. اگر از اینجا شروع کردیم، بنیان زندگی ما، بنیان کار ما در همه بخش‌ها...، تقویت خواهد شد.»

بر این مبنا و با توجه به اینکه بنای مادر این نوشته، بر اختصار است، به چند نکته کاربردی از فرمایشات امام جواد (علیه‌السلام) اشاره می‌کنیم:

■ تأثیر سخن

جواد الائمه (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «هر که به شخصی سخنران علاقه‌مند و متمایل باشد [و به گفته‌اش گوش فرادهد]، بنده اوست؛ پس چنانچه سخنور برای خدا و از احکام و معارف خدا سخن بگوید، [شنونده‌اش] بنده خداست و اگر از زبان شیطان و هوا و هوس و مادیات سخن بگوید، [شنونده سخنان او]، بنده شیطان خواهد بود.»

■ از علت‌های مهم اختلافات

امام جواد (علیه‌السلام) در فرمایشی گهربار، به یکی از علت‌های اختلافات جامعه اشاره فرموده‌اند:

«اگر افراد جاهل و بی تجربه ساکت باشند، مردم دچار اختلافات و تشنج‌جات نمی‌شوند.»

■ حفظ زبان

امام محمد تقی (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده‌اند: «مرد زیر زبان خویش پنهان است [؛ تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد].»^۱

■ نهی از منکر!

کلام این امام عزیز درباره عکس العمل در برابر بدی‌ها، بسیار تکان دهنده است: «هر که کار زشتی را تحسین و تأیید کند، در عقاب (مجازات) آن شریک است.»

■ علت مرگ‌ها

علت مرگ انسان‌ها در بیان امام جواد (علیه السلام) در خور تأمل است: «فرار سیدن مرگ انسان‌ها، به علت معصیت و گناه، بیشتر است تا مرگ طبیعی و عادی؛ همچنین ادامه حیات و زندگی افراد به علت نیکی و احسان به دیگران، بیشتر است تا به علت طول عمر!»

■ برادران واقعی

به روایتی از امام محمد تقی (علیه السلام) توجه فرمایید:

مردی از اهل بصره بر خاست و به امیر المؤمنین (علیه السلام) گفت: «برای ما از برادران بگو (برادران را به ما بشناسان)». امام علی (علیه السلام) فرمودند: «برادران دو دسته‌اند: برادران مورد وثوق و اعتماد و برادرانی که مایه خوشی هستند. [بدان که] برادران مورد وثوق، همانند دست، بال [پرواز] و مثل خاندان و مال هستند؛ پس اگر به برادرت [برادر دینی] ات [اعتماد داشتی، مال و توان خود را به او ازانی کن، بادوستانش دوستی [و یکرنگی] او بادشمنانش دشمنی بوز، رازش را پنهان دار، یاری اش کن و نیکی هایش را آشکار نما و بدان ای

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۱۰۱.



پرسنده که چنین برادرانی، بسیار گرامی، اما کمیاب اند! اما برادران خوشی:
[بدان که] از هم نشینی با آنان لذت می‌بری؛ پس پیوندت را با آنان قطع نکن
و بیش از این، از آن‌ها مخواه و همان گونه که بر خورد خوب و روی گشاده و
گفتار شیرین خود را به توارزانی می‌کنند، تو نیز همان طور باش.»^۱

■ زاهد کیست؟

از امام محمد تقی (علیه السلام) درباره افراد زاهد پرسیدند. حضرت با این روایت امام صادق (علیه السلام)
پاسخ آنان را دادند: «[زاهد] کسی است که حلال دنیا را از بیم بازخواست و حرام آن را از
بیم کفر ترک کند.»^۲

■ سگرات مرگ برای مؤمن!

از امام صادق (علیه السلام) درباره مرگ و چگونگی آن پرسیدند. امام جواد (علیه السلام) پاسخی را که آن
حضرت داده بودند، این گونه روایت فرموده‌اند: «[مرگ] برای مؤمن چون رایحه‌ای
شامه‌نواز است که آن را می‌بوید و از خستگی و دردهایی می‌یابد و برای کافر همانند نیش
افعی و عقرب، بلکه از آن نیز دردناک‌تر است.»^۳

نهمین پیشوا (علیه السلام) مردم را دو گروه دانسته‌اند: «...مردم دو دسته‌اند: یکی آن که
به وسیله مرگ به آرامش می‌رسد و دیگری آن که به وسیله مرگ، مردم از وجودش
راحت و آسوده می‌شوند. پس ایمان خود به خداوند را تجدید کن و با ولایت، پیمانی
تازه ببند تا آرامش یابی.»^۴

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۸۱.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۱۰۶.

۳. محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، معانی الأخبار، ص ۲۸۷.

۴. عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، مستدرک عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و
الأقوال، ج ۲۳، ص ۲۸۶.

ریشه‌های طرح به شهادت رساندن امام جواد (علیه السلام)

مأمون نه قادر بود مانع نفوذ امام رضا (علیه السلام) به دل‌های شیعیان شود و نه می‌توانست به آن حضرت اجازه دهد از مقر حکومت که تحت تسلط او بود، دور شود؛ بنابراین تصمیم به ترور ایشان گرفت! اما با شهادت امام رضا (علیه السلام) و به امامت رسیدن امام جواد (علیه السلام)، مشکلات مأمون کمتر نشد؛ چون هم جامعه اسلامی می‌دیدند که راه امامت شیعه همچنان ادامه دارد و تمام شئون امامت با رهبری شخصی خردسال در حال انجام است و هم دست اتهام جامعه درباره شهادت امام رضا (علیه السلام) به سوی مأمون بود و همه او را قاتل می‌دانستند. این‌ها باعث شد که امام جواد (علیه السلام) از شر مأمون در امان بماند و آسیبی به ایشان نرسد.

البته مأمون توانست با ازدواج دخترش، ام‌فضل، با امام جواد (علیه السلام) به هدف خود نزدیک شود؛ زیرا این‌گونه تمام تحرکات آن حضرت را زیر نظر می‌گرفت. حاکم پس از مأمون نیز با پیروی از او، امام جواد (علیه السلام) را زیر نظر گرفت و منتظر خلاص شدن از دست امام بود؛ چون آن حضرت در مبارزه طلبی و به خاک مالیدن بینی ستمگران، مانند پدرشان بودند و رقیب قدری برای قدرت او به‌شمار می‌رفتند.

توانایی و شایستگی جواد الائمه (علیه السلام) در ایفای وظیفه امامت و رهبری الهی، در این مدت بر همگان ثابت شده بود؛ اما موقعیت سیاسی و نفوذ اجتماعی و فعالیت‌های گسترده امام جواد (علیه السلام) از نظر معتصم و دست‌اندرکاران حکومت او پنهان نبود. از این‌رو،



خلیفه عباسی، حضرت را به بغداد فراخواند.^۱ امام جواد (علیه السلام) در محرم ۲۲۰ ق، یعنی همان سالی که به شهادت رسیدند، وارد بغداد شدند.^۲ البته شیخ مفید در الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد ص ۳۲۶، احضار امام جواد (علیه السلام) به بغداد و سال شهادت ایشان را ۲۲۵ ق بیان کرده است.

معتصم به ظاهر، امام جواد (علیه السلام) را اکرام و تعظیم کرد و هدایایی برای ایشان و ام فضل فرستاد؛^۳ ولی در نهان، کینه آن حضرت را به دل داشت و در انتظار فرصتی بود تا همان نقشه‌ای را که برادرش، مأمون، برای امام رضا (علیه السلام) پیاده کرده بود، درباره امام جواد (علیه السلام) اجرا کند. نفوذ اجتماعی امام محمد تقی (علیه السلام) در میان مردم، به‌ویژه در بغداد و مرکز خلافت عباسی گسترده شده بود. این نفوذ در دل‌ها، فقط به مردم عادی محدود نمی‌شد، بلکه دل برخی از دولتمردان را نیز تسخیر و آنان را دلباخته حاکم اصلی و پیشوای واقعی مسلمانان کرده بود.

معتصم، نخست گروهی از وزرا و درباریان را فراخواند و به آنان گفت: «به دروغ نزد من علیه محمد بن علی بن موسی شهادت دهید و به صورت کتبی گزارش دهید که او قصد خروج علیه حکومت را دارد.»

او پس از اجرای مرحله نخست توطئه خود، امام جواد (علیه السلام) را احضار کرد و گفت: «تو می‌خواستی علیه من قیام کنی؟!» امام (علیه السلام) فرمودند: «به خدا سوگند، چیزی از آنچه می‌گویی، انجام نداده‌ام.» معتصم گفت: «فلانی و فلانی علیه تو گواهی داده‌اند.» سپس آنان احضار شدند و گفتند: «آری، ما این نامه‌ها را از برخی غلامان تو به دست آورده‌ایم.» امام جواد (علیه السلام) که در تالار پذیرایی نشسته بودند، دست به

۱. محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۸۴.

۲. محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۸۰.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۸.

دعا بلند کرده و چنین فرمودند: «پروردگارا! اگر اینان بر من دروغ می گویند، آنان را به کیفر برسان.» ناگهان تالار به لرزه درآمد؛ به گونه ای که هر کدام از آنان از جای برمی خاست، بی درنگ بر زمین می افتاد! معتصم، وحشت زده رو به امام (علیه السلام) کرد و گفت: «ای فرزند رسول خدا، من از آنچه گفتم، پشیمانم! از خدا بخواه که اتاق را آرام کند!» امام جواد (علیه السلام) فرمودند: «بارالها، آن را آرام کن؛ تو می دانی که آنان دشمنان تو و من هستند.» با دعای امام (علیه السلام) وضع به حال عادی باز گشت. ^۱ پیروزی امام جواد (علیه السلام) و شکست ذلت بار معتصم در صحنه توطئه ای که خودش تدارک دیده بود، بر خشم و کینه زمامدار عباسی به فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) افزود و او را در اجرای توطئه نهایی اش مصمم تر کرد.

در همان روزها در حضور معتصم، بر خورد دیگری بین پیشوای نهم و عالمان وابسته به دربار روی داد که موجب شد در قتل امام جواد (علیه السلام) تسریع شود. این جریان به ظاهر علمی که بار و پیامد سیاسی داشت، از این قرار است: دزدی به گناه خود اعتراف کرد و از معتصم خواست تا با اجرای حد الهی، او را پاک کند. معتصم فقها و دانشمندان را جمع کرد و امام جواد (علیه السلام) را هم احضار کرد. در آن مجلس، هریک از فقها درباره اینکه دست دزد باید از کجا قطع شود، اظهار نظر کردند. ابن ابی دؤاد، قاضی القضاات دستگاه حکومت گفت: «باید از مچ قطع شود؛ زیرا دست، مجموع انگشتان و کف تا مچ است. دلیل بر این مطلب، آیه تیمم است: ﴿فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَ اَيْدِيْكُمْ﴾» ^۱ گروهی از دانشمندان حاضر در مجلس، قاضی القضاات را در این فتوا تأیید کردند؛ ولی گروهی دیگر گفتند: «باید از آرنج بریده شود؛ زیرا این آیه که می فرماید: ﴿فَاغْسِلُوْا وُجُوْهَكُمْ وَ اَيْدِيْكُمْ اِلَى الْمَرَافِقِ﴾» ^۲ دلیل بر آن است که حد

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۴۵ و ۴۶. ۲. مائده، ع: هنگام تیمم، با خاک، [صورت و

دست های خود را مسح کنید. ۳. مائده، ع: هنگام وضو [صورت و دست های خود را تا آرنج بشویید.



دست از آرنج است.»

معتصم رو به امام جواد (علیه السلام) کرد و گفت: «ای ابو جعفر! نظر شما چیست؟» امام (علیه السلام) امتناع کرده و فرمودند: «آقایان نظر دادند.» معتصم گفت: «نظرهای آنان را رها کن! تو چه نظری داری؟» امام جواد (علیه السلام) که از انگیزهٔ اصرار معتصم و پیامدهای اظهار نظر خویش در حضور فقهای درباری آگاه بودند، بر خواستهٔ خویش تأکید کرده و فرمودند: «مرا از سخن گفتن در این زمینه معاف بدار.» معتصم گفت: «تو را به خدا سوگند می‌دهم که نظرت را اعلام کنی.» امام (علیه السلام) فرمودند: «حالا که مرا به خدا سوگند دادی، نظرم این است که همهٔ آنان بر خلاف سنت و دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله) فتوا دادند: دست دزد باید از بندهای انگشتان بریده شود و کف دست باقی بماند. دلیل این مطلب اولاً این سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است که می‌فرماید: 'به هنگام سجده، هفت عضو باید بر زمین قرار گیرد: صورت^۱، دو دست، دو زانو و دو [انگشتان] پا.' اگر دست دزد از مچ یا آرنج قطع شود، دستی برای او باقی نمی‌ماند تا با [تکیه بر] آن سجده کند. ثانیاً، خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾^۲ مقصود از مساجد [در این آیه]، همین اعضای هفت‌گانهٔ سجده است و چیزی که از آن خدا باشد، بریده نمی‌شود.» معتصم از استدلال امام جواد (علیه السلام) شگفت‌زده و در برابر آن تسلیم شد و دستور داد که طبق نظر امام (علیه السلام) انگشتان دزد را ببرند.

این موضوع برای ابن ابی دؤاد سخت گران آمد و به شدت ناراحت شد؛ به گونه‌ای که آرزوی مرگ کرد و با خود گفت: «ای کاش بیست سال پیش مُرده بودم [و این صحنه را نمی‌دیدم]!» زیرا هم از امام جواد (علیه السلام) شکست خورده بود و فتوایش در منصب قاضی القضااتی، از سوی آن حضرت، فتوایی مخالف سنت قطعی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و

۱. منظور پیشانی است. ۲. جن، ۱۸: «مساجد از آن خداست؛ پس [در آن‌ها] هیچ کس را با خدا نخوانید!»

و کتاب خدا قلمداد شده بود و هم از سوی معتصم تحقیر شده بود. او نتوانست این شکست و بی‌اعتنایی و تحقیر از سوی خلیفه را تحمل کند؛ پس سه روز بعد از این ماجرا، نزد معتصم رفت و در حالی که خود را دلسوز و خیرخواه شخص خلیفه و حکومت او نشان می‌داد، با شیوه‌ای حيله‌گرانه گفت: «در مجلسی که خاندان سلطنتی، درباریان، فرماندهان نظامی و وزرا حضور دارند و امیرالمؤمنین، فقها و دانشمندان را گرد آورده که از آنان حکم مسئله‌ای را بپرسد که برای حکومت پیش آمده است و مردم نیز در پشت در، گفت‌وگوهای آنان را می‌شنوند، آیا رواست که خلیفه گفته‌ها و نظر فقها را نادیده بگیرد و نظر فردی را بر نظر آن‌ها مقدم بدارد که بخش عظیمی از این امت، قائل به امامت او هستند و ادعا می‌کنند او برای خلافت شایسته‌تر از خلیفه است؟ آیا رواست طبق نظر چنین فردی حکم کند؟!» چهره معتصم دگرگون شد و به عمق اشتباه خود پی برد و گفت: «خدا به تو پاداش نیک دهد که مرا از این موضوع مهم باخبر کردی»؛ سپس دست به کار شد و ظرف چند روز طرح به شهادت رساندن امام جواد (علیه السلام) را ریخت.^۱

۱. نک: محمد بن مسعود سمرقندی عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۳۱۹ و ۳۲۰؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۰،



مَحْرَمِ نَامَحْرَم (مظلومیت امام جواد علیه السلام در واقعه شهادت)

دستگاه خلافت از قبل در پی مسموم کردن امام جواد علیه السلام بود؛ اما تا آن زمان موفق به اجرای نقشه شوم خود نشده بود. معتصم این بار کسی را برای اجرای این توطئه انتخاب کرد که یقین داشت به وسیله او، به هدف پلید خود می رسد. این شخص، کسی نبود، جز مأمور و جاسوس ویژه دستگاه خلافت در اندرون خانه امام علیه السلام، یعنی امّ فضل، دختر مأمون! وقتی با دستگیری جعفر بن مأمون، این مأموریت از سوی معتصم به امّ فضل پیشنهاد شد، پذیرفت؛ چرا که آنان ضعف او را می دانستند. امّ فضل از ابتدا، از زندگی با امام جواد علیه السلام ناراضی بود؛^۱ چون زندگی ای که او با آن خو گرفته بود، با زندگی این بزرگوار تناسبی نداشت؛ از این رو در طول مدت زندگی مشترکش با پیشوای نهم علیه السلام، بارها شکایت آن حضرت را نزد پدرش مأمون برده بود.^۲ در تاریخ، برای منشأ کینه امّ فضل از امام جواد علیه السلام و دشمنی با ایشان، علاوه بر جنبه های اعتقادی و سیاسی که مهم ترین انگیزه های او بود، دو نکته بیان شده است: یکی ازدواج امام نهم با «سمانه مغریّه»، مادر امام هادی علیه السلام و احترام و تجلیل و برتری دادن این بانو بر امّ فضل و دیگری عقیم بودن امّ فضل.^۳

«امّ فضل» زهر دریافتی از معتصم را در انگور قرار داد و خدمت امام جواد علیه السلام آورد و

۱. نک: محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۸۳.

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة ج ۳، ص ۱۴۸ و ۱۵۵ و ۱۵۶.

۳. حسین بن عبدالوهاب، عیون المعجزات، ص ۱۲۹؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۷.



آن حضرت را مسموم کرد. پس از اینکه امام جواد (علیه السلام) از آن انگورها خوردند، ام‌فضل [به ظاهر] پشیمان شد و شروع به گریه کرد؛ اما به منظور پلید دستگاه حکومت جامه عمل پوشاند. ^۱ درباره چگونگی شهادت امام جواد (علیه السلام) روایات دیگری نیز نقل شده است که بیان آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد.

امام جواد (علیه السلام) در آخر ذی‌قعدة ۲۲۰ ق، در حالی که ۲۵ سال از عمر پربرکتشان می‌گذشت، به شهادت رسیدند ^۲ و پیکر پاکشان در کنار نیای بزرگوارشان، امام موسی بن جعفر (علیه السلام)، در قبرستان قریش، در بغداد به خاک سپرده شد. بارگاه ملکوتی این دو پیشوای معصوم (علیهم السلام) هم‌اکنون به «کاظمین» معروف است و زیارتگاه و کعبه آمال شیفتگان حق و دوستداران مکتب امامت و ولایت است. رحمت خدا و درود فرشتگان و مؤمنان بر آنان باد.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۷؛ محمدبن جریر طبری، دلائل الامامة ص ۲۰۹.

۲. محمدبن جریر طبری، دلائل الامامة ص ۲۰۸.

مسابقه فرهنگی هم ناله با خورشید

■ پرسش‌ها از متن همین کتاب طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

■ به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲

برای این کار، کافی است به ترتیب، نام مسابقه و شماره گزیده صحیح پرسش‌ها به صورت یک عدد پنج رقمی از چپ به راست را به همراه و نام و نام خانوادگی خود به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: هم ناله با خورشید ۱۴۱۳۲ سیدرضا کاظمی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی:

www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه

■ پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید در صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

■ هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق «پست جواب قبول» پرداخت شده است و نیازی به استفاده از پاکت و تمبر نیست.

■ پیامک‌ها و پاسخ‌نامه‌های تکراری حذف می‌شود.

■ آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

■ قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: مطالب، پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامک جداگانه‌ای ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

پرسش‌ها

۱. کنیه امام جواد (علیه السلام) با کنیه کدام یک از معصومان (علیهم السلام) یکی بوده است؟

۱. امام رضا (علیه السلام)
۲. امام صادق (علیه السلام)
۳. امام باقر (علیه السلام)
۴. امام حسین (علیه السلام)

۲. از نظر امام جواد (علیه السلام) مرگ انسان‌ها بیشتر به کدام علت است؟

۱. مرگ عادی
۲. معصیت و گناه
۳. نیکی و احسان اندک
۴. حوادث طبیعی

۳. پیامد تحسین و تأیید کارهای زشت چیست؟

۱. تشویق از سوی مرتکبین آن کارها
۲. شریک شدن در عقاب آن
۳. ترک کارهای شایسته
۴. تمسخر از سوی مرتکبین آن کارها

۴. زاهد چرا حلال دنیا را ترک می کند؟

۱. از بیم بازخواست

۲. از بیم دل بستگی

۳. از بیم کفران نعمت

۴. از بیم کیفر

۵. کدام دلیل باعث شد که امام جواد (علیه السلام) از شرّ مأمون در امان بماند؟

۱. اینکه جامعه اسلامی می دیدند که راه امامت شیعه همچنان ادامه دارد.

۲. اینکه مأمون خودش را به علم و درایت امام جواد (علیه السلام) محتاج می دید.

۳. اینکه دست اتهام جامعه درباره شهادت امام رضا (علیه السلام) به سوی مأمون بود.

۴. گزینه ۱ و ۲

نظر سنجی کتاب هم‌ناله با خورشید

زائر گرامی

این پرسش‌نامه، برای بهره‌مندی از دیدگاه ارزشمند شما در جهت ارتقاء خدمات فرهنگی تهیه شده است. لطفاً خادمان خود را در تحقق این امر یاری کرده و پرسش‌نامه را همراه پاسخ‌نامه تحویل دهید.

ردیف	موضوع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفیدبودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادهای و انتقادهای: -----						

پاسخ نامه مسابقه فرهنگی هم ناله با خورشید

مشخصات

نام و نام خانوادگی:

نام پدر: تحصیلات:

استان: شهر:

تلفن ثابت با کد شهر:

شماره همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴
پرش				
اول				
دوم				
سوم				
چهارم				
پنجم				

لیه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید

پست جواب قبول



..... فرستنده:

.....

.....

..... کد پستی:

----- از این قسمت تا شود -----

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵